



علی ابراهیمی

ملی را برای ما ماندگاری کند، فقط ذوق و قریحه و هنرنیست،
 بشکار و علاقه است. باید عاشقان این هنر پاسدار آن باشند...»
 و او یکی از عاشقان پاسدار بود...

روی نقشه‌ها شبانه روز کار میکرد. با یک جور وسواس
 و شیفتگی. انگار وقتی کار میکرد، خستگی از او فراری بود.
 ساعتها پشت سر هم خط میکشید و رنگها را در هم میآمیخت،
 دوباره خطها را بهم میزد، آنچه رنگ آمیزی کرده بود کنار
 میگذاشت و کار را دوباره از سر می‌گرفت.

همین شور و علاقه باعث میشود که بارها مورد تشویق قرار گیرد.
 ابراهیم در ۱۳۱۵ مأمور مرمت نقاشی‌های دیواری کاخ
 صفی آباد شد. جلوه‌هایی از مایه‌های ذوق و هنر او بر دیوارهای
 این کاخ شکل گرفت. بعد از آن بخدمت نظام دعوت شد.
 به اقتضای هنرش در چاپخانه ارتش به کار پرداخت، اما به امر
 شاهنشاه قرار شد در حین انجام وظیفه روزانه چند ساعتی از
 وقتش را بخواهتار وزارت پشه و هنر بگذارد.

تا پایان سال ۱۳۱۹ در چاپخانه ارتش بود و از اوائل
 ۱۳۲۰ دیگر بار بعنوان هنرمند روزمزد در قسمت قالی هنرستان
 هنرهای زیبای ایرانی که همان اداره صناعت سابق بود سرگرم
 کار شد.

تا این هنگام هنر او در کوره تجربه پخته شده بود.
 گونه‌ای غنای متانت آمیز در آثارش چشم میخورد. حالا دیگر
 معتقد شده بود که:

«هنرمند قالی باید خلاق باشد».

و در جستجوی راز این خلاقیت به سیر و تعمق در نقشهای
 هنری و خطوط و رنگ آمیزی‌های متعالی قالی پرداخت.
 میگویند:

۶۳ سال زیست.
 نیم قرن از این زندگی آمیخته به هنر و سوداها و جاذبه‌های
 رنگین ذوق و الهام بود.
 عاشقانه زیست و وفادارانه مرد.

عشق او به زندگی و ایمان و فادارش به هنر در آنچه از او
 مانده میدرخشد و سرود روح شوریده‌ای را تکرار میکند.
 چیرگی او پیش از آنکه در نقاشی و مینیاتور باشد - که
 در این هنر دو دستی داشت - در تهیه نقشهای کاشی و نقشه‌های
 مینیاتور گونه قالی بود. و بسیاری از این نقشه‌ها بعنوان اسبیل‌ترین
 آثار هنری این ملک در آرشیو موزه هنرهای ملی نگهداری
 میشود. یادش گرامی باد...

علی ابراهیمی به سال ۱۲۸۲ در تهران متولد شد. در
 آنروزگار «دانش» در پشت درهای «مکتب» نهفته بود و او
 ناگزیر در مکتب علوم قدیمه را آموخت. از کودکی علاقه فراوانی به نقاشی داشت. بعدها میگفت:
 «رنگها بمن آرامش میدادند. من در میان رنگها و خطها،
 دنیای زیبا و بی‌پایانی را حس میکردم».

و این سحر و افسون رنگ و خط او را اسیر کرد. به نقاشی
 رو آورد و پس از مدتی به کشیدن نقشه‌های قالی پرداخت.
 به سال ۱۳۰۹ در وزارت اقتصاد در قسمت نقشه‌کشی قالی
 شروع بکار کرد. سال بعد رسماً نقشه‌کش قالی در اداره کل
 صناعت شد.

او قالی را غایتترین محصول هنر و صناعت دستی میدانست.
 میگفت: «یک ملت میتواند تنها با هنر قالی‌بافی خود را بجهان
 بشناساند». و اصرار داشت که:
 «باید هنر قالی‌بافی را جدی گرفت. آنچه این میراث

داشت و هم در لحظه‌های تنهایی و فراغت و بولون مینواخت .
 او موسیقی را در محضر استاد «مبا» هنرمند گرانمایه موسیقی
 معاصر ایران فرا گرفته بود . . .



به سال ۱۳۳۳ چشم دردی ناگهانی فرارسید .
 مردی که عاشق خطها و رنگها و نقشهای زیبا بود ، ناگهان
 دیوار بلندی از تاریکی بین خود و آنچه دوست داشت یافت .
 دو سال با چشم درد درگیر بود . تاریکی روزی روز غلیظتر
 میشد تا سرانجام فروغ چشم‌هایش خاموش شد .
 نزدیک به نیم قرن نقاشی کرده بود ، با رنگها زیسته بود ،

گاه اتفاق می‌افتاد که ساعتها خیره در نقش‌ونگار يك قالی
 ارزنده میشد . پنداری که میخواست در میان این نقشها و رنگها
 روح زیبایی و هنر را میدکند . يك قالی خوب براحتم
 میتوانست او را از خود بیخود کند .

اما تنها در میان نقشها و نقشها و قالی‌های ریزبفت
 درخشان نبود که او مایه‌های هنر خود را می‌جست . يك منظره
 شاعرانه زیبا ، يك غروب گیرنده ، صحنه‌ای طبیعی و مطراوت -
 انگیز ، یا حتی يك تابلو جالب ، يك زخمه دلنشین تار یا نغمه
 موسیقی روح رام و سودائی او را به آسانی به شور و جذب
 می‌افکند - و چنین بود که او هم نقاشی میکرد ، هم مینیاتور
 میکشید ، هم در نقشه قالی و نقشهای کاشی‌های امیل مهارت

نقشه‌های حاشیه‌دار برگ‌مونی و ترنج‌دار او الهام اصلی از نقشه‌های
 قدیمی است . اما خطوط و نقشها با مایه‌ای از ذوق مینیاتوری نیرو
 و درخشش فوق‌العاده میگردد .

گل و گلپونه ، درخت و سبزه ، در بیشتر نقشه‌های او زمینه اصلی است .
 و این زمینه رنگین طبیعی را با تصاویر مرغها و حیوانات رام و سرکش
 زینت میدهد .





تنها ظرافت میزبان کارهای علی ابراهیمی نیست . او از نقش و نگارهای قدیمی و اصل ایرانی برای نقشه‌هایش مایه میگرفت .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گاه و بیگاه در آغوشش میکشید و با آن به درددل و راز و نیاز
 گرم و شوریده و غمناک مینواخت، انگار که صدای ویولون
 صدای دلش بود ، صدائی که بوی اشک و طعم آتش و اندوه میداد.
 یکشب ، به هنگامی که آشفته و بیتاب قدم میزد ، از پله‌های
 خانه‌اش سقوط کرد . یکی از شبهای سال ۴۴ بود . ضربه‌ای که
 بر سرش وارد آمد به بیمارستانش کشاند و تا روز ۷ مرداد ۴۷
 متناوباً در بیمارستان چهر آزی و خانه‌اش بستری بود .
 سرانجام پیروزی با مرگ بود . چراغ برای همیشه
 خاموش شد . . .

شادروان علی ابراهیمی سالها به سمت استاد نقشه‌قالی

هنرمردم

حتی رنگها را نفس کشیده بود . رنگها در جان و خون او نفوذ
 کرده بودند، و حالا مجبور بود از معشوقگان شوخ و بوسه‌گر
 جدا شود .
 جدا شد . . .

پزشکان با همه تلاشی که بکار گرفتند، نتوانستند دیگر بار
 چراغهای او را بیفزوزند . اداره کل هنرهای زیبا نظر به سابقه
 خدمت و هنر گرانبهای او اعلام کرد که اگر نایبانی وی در خارج
 از کشور درمان پذیر است ، هزینه این سفر و درمان را خواهد
 پذیرفت ، ولی پزشکان پس از معاینات مکرر و طولانی بکلی
 مأیوس بودند . . .

۹ سال این دوران تبعد و تاریکی ادامه یافت . تنها
 سرگرمی او در این روزها و شبهای غمناک و ویولونش بود که

آورش با درخشش شعرگونه در هر خط و رنگ و اثر او بچشم میخورد .

او در ترکیب رنگها به طبیعت مینگریست ، نه با نگاهی ساده ، با دیدی که در ذات و جان عناصر رسوخ میکرد و خون و عایه هنر او را از روح صاف و زلال طبیعت میمکید . چنین است که در نقشهای مانده از او - در آرشبو موزه هنرهای ملی - شیوه ای از نقاشی را می یابیم که ریشه در هنر سنتی این ملک دارد و بان درختی شاداب و همیشه بهار ، در فضای زنده و جوان طبیعتی آفریننده شاخ و برگ افراشته است
یادش و نامش گرامی باد

در هنرستان نقاشی کمال الملک تدریس میکرد . در همان حال زیر نظر استاد حسین طاهرزاده در رشته مینیاتور کار میکرد و ساعاتی از وقتش را نیز به نقاشی اختصاص داده بود . این تنوع آموزش هنری و تبحر در رشته های گوناگون هنر ، مایه کمال آثارش شده بود .

در آثاری که از او مانده آشتی و آمیزش رنگها و ظرافت خطوط و نقشها بطرز جاذبه انگیزی نمودار است . زمینه بیشتر کارهای او را صحنه شکارگاه ، درخت و گل و گیاه ، زمینهای پر علف ، بوته ها و گلبوته ها تشکیل میدهد - و این نمایای پیوندهای عمیق او با طبیعت بود ، طبیعتی که جلوات شگفتی-

او در نقشهایش از ظرافت طراحی مینیاتور مدد گرفت . مینیاتور را - بی آنکه به اصالت آن لطمه بزند - در سطح قالی گسترد و در این نقشهای مینیاتوری قواعد طراحی و اصول نقشنگاری قالی را بهم آمیخت و از این دو تصویر زیبای یگانه ای آفرید .

نقش دیگر از کارهای طرف ابراهیمی

